

Predicting Emotional Divorce Based on Conflict Control Styles and Psychological Hardiness in Couples

Nahid Azimi, Saeedeh Sadat Hosseini^{*}, Mokhtar Arefi[†], Shima Parandin[‡]

Abstract

Purpose: The aim of this study was to predict emotional divorce based on conflict control styles and psychological hardiness in couples.

Methodology: This research was descriptive and correlational in terms of practical purpose and data collection method. The statistical population of this study included all couples in Kermanshah in 2017 that had referred to counseling centers. The statistical sample of this study was 200 people. Couples (100 couples) were selected using available and voluntary sampling methods from counseling centers and psychological clinics. The research tools included Ahvaz Hardship Questionnaire (1998); Murray & Strauss Conflict Resolution Control Styles Questionnaire (1999) and Razeghi Emotional Divorce Scale (2009). Data analysis was performed using SPSS software and Amos modeling software at a significance level of 0.05.

Results: Research findings showed that psychological Hardiness had a significant relationship with emotional divorce of couples in Kermanshah and there was a significant relationship between conflict control styles and emotional divorce of couples. There was also a significant relationship between conflict control styles and psychological stubbornness of couples. Also, the results of regression test showed that the two variables of psychological Hardiness and conflict control styles can predict positive and significant emotional divorce in couples ($P < 0.005$).

Conclusion: According to the findings, high psychological distress can prevent emotional divorce and the higher the psychological Hardiness of individuals, the less likely they are to experience emotional divorce

Keywords: Psychological Hardiness, Conflict Control Styles, Emotional Divorce, Couples



[‡]PhD Student, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

^{*}Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Author responsible: saeedeh2h@yahoo.com Email

[†]Assistant Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

[‡]Assistant Professor, Department of Psychology, West Islamabad Branch, Islamic Azad University, West Islamabad, Iran.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶

پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی در زوجین

ناهید عظیمی^۱، سعیده سادات حسینی^{۲*}، مختار عارفی^۳، شیما پرن‌دین^۴

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی در زوجین بود، **روش:** این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ بود که به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، نمونه آماری این پژوهش تعداد ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ زوج) بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه از مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانشناختی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ی سخت رویی اهواز (۱۳۷۷)، پرسشنامه سبک‌های کنترل حل تعارض موری و اشتراک (۱۹۹۰) و آزمون طلاق عاطفی رزاقی (۱۳۸۷) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و نرم افزار مدلسازی Amos در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سرسختی روانشناختی رابطه معنی‌داری با طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه دارد و بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی زوجین نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی زوجین نیز رابطه معنی‌داری بدست آمد همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان داد دو متغیر سرسختی روانشناختی و سبک‌های کنترل تعارض می‌توانند به شکلی مثبت و معنی‌دار طلاق عاطفی را در زوجین پیش‌بینی کنند ($P < 0.005$). **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌ها سرسختی روانشناختی بالا می‌تواند از بروز طلاق عاطفی جلوگیری کند و هر چه سرسختی روانشناختی افراد بالاتر باشد کمتر دچار طلاق عاطفی می‌گردند.

کلید واژه‌ها: سرسختی روانشناختی، سبک‌های کنترل تعارض، طلاق عاطفی، زوجین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتر گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

^۲ استادیار گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (بسنده مسئول) saeedeh2h@yahoo.com

^۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

^۴ استادیار گروه روانشناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران.

مقدمه

ازدواج مهمترین عرف و رسم معمول در تمام جوامع و فرهنگ‌ها می‌باشد که واجد شکل‌گیری و شکل‌دهی نزدیکترین فرآیندهای ارتباطی بین دو نفر و در نهایت تشکیل یک واحد اجتماعی به نام خانواده است. مولفه بسیار مهم و با ارزش در حیات انسان تلقی می‌گردد و یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می‌دهد. سلامت خانواده از چگونگی رابطه همسران تاثیر می‌پذیرد و رضایت زناشویی از پایه‌های پایداری رابطه است چون که وجود رضایت زناشویی کنار آمدن با تنیدگی و حل تعارض و بالارفتن تراز بهداشت روانی زوجین را آسان می‌سازد (پروندی، عارفی و مرادی، ۱۳۹۵). خانواده یک واحد اجتماعی است که بر پایه‌ی روابط انسانی شکل گرفته و بر اساس آن مرد و زن آزادانه و به صورت کامل خود را به یکدیگر می‌سپارند و از این طریق تشکل فعالی که خانواده نامیده می‌شود، می‌سازند. این نهاد اولین نهاد جامعه‌پذیر و کهن‌ترین هسته‌ی طبیعی، در همه‌ی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن میشود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (بهینه، ۱۳۹۳).

آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتری به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی میکنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمیکنند (لطیفیان، عرشی و اقلیما، ۱۳۹۶). یکی از عوامل ایجادکننده طلاق عاطفی در رابطه زناشویی تعارضات است. که در واقع نوعی کشمکش بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت است و با حذف امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند. بدیهی است طرفین نزاع برآنند که به حریف خود آسیب برسانند و تاکتیک‌های او را خنثی کنند و بالاخره او را از صحنه بیرون کنند (صفایی راد و وارسته فر، ۱۳۹۱). در حقیقت توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل‌سازنده‌ای می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند (ساموهانو، ۲۰۱۳).

به طور کلی تعارض در زندگی زناشویی زمینه‌ساز بروز استرس برای زوجین می‌شود و اگر فردی با وقایع به شدت استرس‌زا مواجه شود، برای سالم ماندن باید سرسخت باشد. سخت‌رویی یک احساس عمومی است مبنی بر این که شرایط محیط ایده‌آل است و باعث می‌شود که انسان موقعیت‌های پر استرس را بالقوه، با معنی و جالب ببیند و به این صورت که آنها را به جای تجارب مختصر و کوچک به تجارب بزرگ و پیشرفته تبدیل می‌کند؛ به عبارتی می‌توان گفت سرسختی روانشناختی باعث می‌شود نه تنها زوجین در مواجهه با تعارضات بیشتر موقعیت‌های پیش‌روی خود را تهدیدکننده و کنترل‌ناپذیر نبینند بلکه حتی در مواقعی که باید به فعالیت‌هایی دست بزنند که نسبت به آن رغبت ندارند، با استفاده از راهبردهایی آن فعالیت را به یک کار جالب و مثبت و فرصتی برای رشد و بالندگی تبدیل می‌کنند و از این راه می‌توانند شرایط را متناسب با ویژگی‌های خود سازگار نمایند. افزایش طلاق عاطفی، به میزان درخور توجه و نگران‌کننده، یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی است. امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین زن و شوهر به سستی گراییده و خانواده به گونه‌ی فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است. در حال حاضر، طلاق توجه بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان مسائل اجتماعی را به خود جلب کرده است. مسلماً هر شرایطی که برای زنان به منزله‌ی کنش‌گران فعال، تأثیرگذار و البته تأثیرپذیر پیش‌آید، واکنش و پیامدهایی به همراه دارد که عواملی بسترساز این شرایط و پیامدها بوده‌اند. زنان با قرار گرفتن در این موقعیت در مقایسه با مردان، با تغییرات و چالش‌های مضاعفی در زندگی روبه‌رو می‌شوند که بدون شک بر خانواده و جامعه نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند؛ روابط فرا زناشویی، افزایش طلاق قانونی، خشونت، خودکشی و ... از معضلات اجتماعی‌ای هستند که ممکن است در نتیجه‌ی طلاق عاطفی حاصل شود. با توجه به اهمیت انکارناپذیر نهاد خانواده در هر جامعه، بررسی چرایی، آسیب‌ها و شرایطی که فرد پس از طلاق تجربه می‌کند، مهم به نظر می‌رسد (افراسیابی و دهقانی، ۱۳۹۵).

عمق صمیمیتی که افراد در رابطه خود ایجاد می کنند به میزان زیادی بستگی به توانایی آنان برای ارتباط دقیق، مؤثر و روشن با افکار، احساسات، نیازها، خواسته ها و تمایلاتشان دارد. بنابراین یادگیری چگونگی ارتباط کارآمد نخستین گام در فرآیند ایجاد یا افزایش صمیمیت در هر رابطه ای به شمار می رود و یادگیری ارتباط کارآمد، یک گام مهم در فرآیند ایجاد و افزایش صمیمیت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳).

گاهی همسران در ارتباط ناکارآمد هستند و احتیاج به یادگیری مهارتهایی در جهت ابراز عواطف با حل موثر مشکلات دارند. اگر چه تعاملات ناسازگارانه ممکن است ناشی از کمبود مهارت باشد، اما در بسیاری موارد اتفاق می افتد که همسران از عدم رضای نیازهای خود ناامید شده اند (آماتو و استاچی^۱، ۲۰۱۵). استیوارت^۲ (۲۰۱۲) بیان کرد که سبک روابط زوج ها بخصوص هنگامی که به تعارض می پردازند، می تواند در طول مدت ازدواج به عنوان شاخص قوی برای احساس رضایتمندی زوجین در ازدواج مطرح شود، وی همچنین ادعان کرد که طبقه بندی در زیر مجموعه ی تعارض از آنچه که آنها جروبحث می کنند، ناشی نمی شود بلکه از اینکه چطور وقتی جروبحث می کنند واکنش نشان می دهند، ناشی می شود. اختلاف و گفتگو طبیعی است و راهبردهای حل تعارض "CTS^۳" تاثیر مثبتی بر روابط دارند. راهبردهای کلامی سازگارانه و مستقیم به زوجها کمک می کند تا موضع گیری مثبتی داشته باشند احساسات و موقعیت ها را نشان دهند، در جستجوی موافقت طرف مقابل باشند، با هم بروی مسایل به توافق برسند و به یکدیگر اعتماد کنند. در نتیجه آنها قادرند احساس موفقیت حاکی از تسلط بر مشکلات را به یاری هم و در حالی که در یک تیم قرار گرفته اند، تجربه کنند. درماندگی زناشویی و تعارض زناشویی، مخرب و خطرناکترین عوامل در بیشتر اختلالات و آسیب های روانشناختی به حساب می آیند، بخش گسترده ای از پژوهش ها به نقش ارتباط مؤثر به عنوان مولفه ای محوری در رضایت زناشویی پرداخته اند. رفتارهای ارتباطی و الگوهای تعاملی به طور روشنی با رضایت زناشویی مرتبطند. در واقع اگر زوج ها یاد بگیرند که چطور ارتباط مؤثر برقرار کنند، شانس بیشتری دارند که رضایتمندی را تجربه کنند. ارتباطات مؤثر، نقش مهمی را در کیفیت زندگی زوجین بازی می کنند به طوریکه لزوم آموزش این ارتباطات احساس می شود؛ به عبارتی ارتباطات موفق و مؤثر موجب کمال انسان و مبنای اولیه ی پیوند وی با دیگران و بهبود کیفیت روابط عاطفی افراد می شود (کرنلیز، السی و شوری، ۲۰۰۷).

ارتباط دلبذیر زوجین این امکان را می دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند. پژوهشگرانی که در مورد سبکهای ارتباطی تحقیق می کنند به سه الگوی انتقاد- دفاع، کمرو- سلطه پذیر و مسلط- کنترل کننده دست یافته اند. یکی از متغیرهایی که به نظر می رسد در شکل گیری سبکهای تعارض و طلاق عاطفی مؤثر باشد مفهوم سخت رویی است، در واقع سخت رویی به مثابه یک ویژگی شخصیتی، نگرش درونی خاصی را به وجود می آورد که شیوه رویارویی افراد با مسائل مختلف زندگی را تحت تاثیر قرار می دهد. این در حالی است که بسیاری از مردم رویارویی با حوادث زندگی را خسته کننده، ملال آور یا حتی تهدید آفرین تلقی می نمایند. افراد سرسخت نسبت به رویدادهای زندگی احساس کنترل بیشتری می نمایند و رویدادهای محیط را به گونه ای معنادار ارزیابی می کنند در حالیکه افراد غیر سخت نسبت به رویدادهای زندگی دچار احساس از خود بیگانگی، ناتوانی و تهدید می گردند (سبزعلی زاده، بادامی و حسینی، ۱۳۹۳). یقیناً چنین نگرشی در شیوه ی ارزیابی شناختی نقش عمده ای ایفا می کند، لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که آیا سرسختی روانشناختی و سبکهای کنترل تعارض می تواند طلاق عاطفی در زوجین به طور معنی داری پیش بینی کنند؟

^۱Amato & Stacy

^۲Stewart

^۳conflict tactic scale

^۴Cornelius, Alessiand &Shorey

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند، بود. نمونه آماری این پژوهش عبارت است از تعداد ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ زوج) که ناچار بر اساس وضعیت موجود آماری آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه از مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانشناختی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش شامل: پرسشنامه‌ی سخت رویی اهواز (۱۳۷۷) بود که این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی مداد-کاغذی است که دارای ۲۷ ماده می‌باشد. این پرسشنامه به وسیله تحلیل عوامل نجاریان، کیامرثی و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۸۳) اعضاء هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته شده است. در سال ۱۳۷۷ بر روی یک نمونه ۵۲۳ نفری از دانشگاه آزاد اسلامی اهواز اعتبار یابی شد، که سرسختی را مورد سنجش قرار می‌دهد. این آزمون یک نمره کل از سرسختی افراد می‌دهد و فاقد مولفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه جویی است. شیوه نمره گذاری این پرسشنامه ۲۷ ماده ای به این صورت است که آزمودنی‌ها به یکی از چهار گزینه‌ی هرگز، بندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات پاسخ گفته و بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ نمره گذاری می‌شود. بجز ماده‌های ۲۱، ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۷، ۶ که در این پرسشنامه نشان دهنده سرسختی روان شناختی بالا در افراد است. نجاریان و همکاران برای سنجش پایایی مقیاس AHI از دو روش باز آزمایی و همسانی درونی استفاده کرده است. ضریب همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد با فاصله زمانی ۶ هفته در نمونه ۱۱۹ نفری برای آزمودنیهای دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ گزارش شد و در روش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روان شناختی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای کل آزمودنیها ۰/۷۶ بدست آمد که کاملاً ضریب قابل قبولی می‌باشد. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه سخت رویی در کل نمونه بدست آمد. در زمینه اعتبار یابی آزمون مزبور از روش اعتبار ملاکی همزمان استفاده نمود و این پرسشنامه را همزمان با چهار پرسشنامه اضطراب عمومی ANQ، پرسشنامه افسردگی اهواز ADI، پرسشنامه خود شکوفایی مازلو MASAI و مقیاس سازه ای سرسختی به دو روش تنصیف و آلفای کرونباخ به کار برد که ضریب همبستگی بین نمره‌های کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۰ و ۰/۴۴ که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین ضریب همبستگی خود شکوفایی ۰/۶۵ بوده است. بین اعتبار سازه ای سرسختی و مقیاس سرسختی همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار بود. بنابراین با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه و تحقیقات فراوانی که درباره آزمون سخت رویی صورت گرفته، همگی از اعتبار بالای این آزمون حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که یکی از بهترین ابزارهای سنجش سرسختی در افراد می‌باشد.

پرسشنامه سبک‌های کنترل حل تعارض: مقیاس سبک‌های، یک ابزار ۱۵ سوالی است که برای سنجش سه تاکتیک حل تعارض (استدلال، خشونت کلامی و خشونت فیزیکی) بین اعضای خانواده توسط موری و اشتراکس آدر ۱۹۹۰ تدوین شده است. پرسش‌های مقیاس الگوهای حل تعارض گویای رفتارهایی است که فرد در شرایط تعارض با اعضای خانواده به آنها دست می‌زند و نمرات آن تعداد دفعاتی است که رفتار مورد نظر در سال گذشته رخ داده است. پاسخ دهنده تعداد دفعات بروز هر رفتار توسط خودش را ارزیابی می‌کند. نمرات مزمن بودن الگوهای تعارض که کاربرد بالینی دارد، با جمع نمرات پرسش‌ها به دست می‌آید. نمرات زیر مقیاس ((استدلال)) در هر یک از مقیاس‌های ((الگوهای تعارض)) از پرسش‌های A تا E به دست می‌آید. نمرات ((پرخاشگری کلامی)) با جمع پرسش‌های F تا J و ((پرخاشگری فیزیکی)) با جمع پرسش‌های K تا O به دست می‌آید. دامنه نمرات ۰ تا ۱۵ است که نمرات بالاتر به معنی استفاده بیشتر از یک تاکتیک بخصوص است. دامنه‌ی ۱۲ ضریب آلفا برای زیر مقیاس استدلال از ۰/۴۲ تا ۰/۷۶ است. برای زیرمقیاس پرخاشگری کلامی ۱۶ ضریب آلفاموجود است که دامنه‌ی آنها از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ است. برای زیر مقیاس پرخاشگری فیزیکی ۱۷ ضریب آلفا موجود است که دامنه‌ی آنها از ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ است. روایی تاکتیک‌های تعارض بارها مورد تایید قرار گرفته است. اول از همه این که چندین کار تحقیقی ساختار عواملی استدلال، پرخاشگری کلامی پرخاشگری فیزیکی را تایید می‌کنند. توافق

^۱inventory control styles of conflict resolution

^۲Murray & Strauss

اعضای مختلف خانواده در مورد تاکتیک های تعارض گواه بر روایی همزمان است. همچنین اطلاعات زیادی درباره ی روایی سازه در اختیار است که از آن جمله اند همبستگی بین نمرات ((تاکتیک های تعارض)) و عوامل ریسک خشونت خانواده، رفتارهای ضد اجتماعی کودکان قربانی، سطوح محبت بین اعضای خانواده و عزت نفس. روایی محتوایی این مقیاس در پژوهش پریسا زابلی (۱۳۸۳) نیز مورد تایید قرار گرفته است.

آزمون طلاق عاطفی: در این پژوهش از آزمون طلاق عاطفی رازقی (۱۳۸۷) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۲ سؤال ۵ ارزشی (همیشه ۴، بیش تر اوقات ۳، بعضی اوقات ۲، به ندرت ۱، هرگز ۰) دارد. حداقل و حداکثر این آزمون بین ۰ تا ۸۸ بود. افرادی که نمره بالاتر از ۴۰ بدست آورند طلاق عاطفی بیشتری احساس می کنند. برای بررسی سازه آزمون از مدل تحلیل آماری با روش تحلیل مؤلفه های اصلی استفاده شد و با توجه به اینکه مقیاس موازی برای بررسی و محاسبه روایی ملاکی این مقیاس تدوین شده در پرسشنامه در دست نبوده است، برای تعیین روایی این مقیاس نیز از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب برای پرسشنامه ۰/۹۰ برآورد شد (رازقی و همکاران، ۱۳۸۷).

پس از تنظیم پرسشنامه ها و انتخاب آزمودنی ها، پرسشنامه های پژوهش در اختیار زوجین قرار گرفت سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه ها به آن ها ارائه شد. از آزمودنی ها خواسته شد اگر در فرآیند تکمیل پرسشنامه با مشکلی مواجه شدند از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. زوجین انتخاب شده پس از اعلام رضایت جهت شرکت در پژوهش و دریافت تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آن ها محرمانه باقی خواهد ماند، اقدام به تکمیل پرسشنامه ها نمودند. پس از تکمیل پرسشنامه توسط آزمودنی ها، پرسشنامه های پژوهش جمع آوری گردید. در مرحله بعدی، پرسشنامه ها نمره گذاری شدند و داده ها جهت تجزیه و تحلیل آماری در نرم افزار SPSS و نرم افزار مدلسازی Amos وارد شدند.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی پژوهش نشان داد اکثر آزمودنیها یعنی ۱۶۷ نفر معادل ۸۳٫۵ درصد از کل آزمودنیها بالای ۳۰ سال سن دارند و از طرفی کمترین سن مربوط به بازه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال است که فقط ۲٫۵ درصد از کل آزمودنیها را تشکیل داده است. اکثر آزمودنیها یعنی ۷۵ نفر معادل ۳۷٫۵ درصد از کل آزمودنیها در مقطع تحصیلی لیسانس قرار دارند و از طرفی کمترین مقدار مربوط است به مقطع تحصیلی فوق دیپلم ، که ۳۵ نفر معادل ۱۷٫۵ درصد از کل آزمودنیها تشکیل داده است. در جدول زیر مشاهده می شود میانگین نمره استدلال در متغیرهای حل تعارض ۱۱٫۲۹ با انحراف معیار ۳٫۸۳ بیش از سایر متغیرها یعنی خشونت کلامی و خشونت فیزیکی بدست آمده است همچنین مشاهده می شود نمره سرسختی با میانگین ۸۱٫۴۱ و انحراف معیار ۱۶٫۸۱ بدست آمده است و از طرفی نمره طلاق عاطفی با میانگین ۴۹٫۷۷ و انحراف معیار ۹٫۳۱ بدست آمده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

تعداد	انحراف معیار	میانگین	
۲۰۰	۳٫۸۳	۱۱٫۲۹	استدلال
۲۰۰	۳٫۳۵	۹٫۸۱	خشونت کلامی
۲۰۰	۳٫۸۷	۱۰٫۲۷	خشونت فیزیکی
۲۰۰	۱۶٫۸۱	۸۱٫۴۱	سرسختی
۲۰۰	۹٫۳۱	۴۹٫۷۷	طلاق عاطفی

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین خرسندی زناشویی و مولفه های تمایز یافتگی

استدلال	همبستگی پیرسون	۱	خشونت کلامی	خشونت فیزیکی	سرسختی	طلاق عاطفی
استدلال	همبستگی پیرسون	۱	-.۳۷۱**	-.۴۱۰**	.۵۰۴**	-.۴۳۸**
	سطح معنی داری		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد		۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
خشونت کلامی	همبستگی پیرسون	۱		.۱۱۸	-.۲۰۰*	.۳۰۱**
	سطح معنی داری			.۱۹۸	.۰۲۸	.۰۰۰
	تعداد			۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
خشونت فیزیکی	همبستگی پیرسون	۱			-.۴۱۶**	.۴۹۳**
	سطح معنی داری				.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد				۲۰۰	۲۰۰
سرسختی	همبستگی پیرسون	۱				-.۲۸۳**
	سطح معنی داری					.۰۰۰
	تعداد					۲۰۰
طلاق عاطفی	همبستگی پیرسون	۱				
	سطح معنی داری					
	تعداد					

با توجه به جدول فوق همبستگی بین استدلال و سرسختی 0.504 ، همبستگی بین استدلال و طلاق عاطفی -0.438 ، همبستگی بین خشونت کلامی و سرسختی 0.301 ، و همبستگی بین خشونت کلامی و طلاق عاطفی 0.301 و در خشونت فیزیکی مشاهده می شود همبستگی بین خشونت فیزیکی و سرسختی -0.416 و همبستگی بین خشونت فیزیکی و طلاق عاطفی 0.493 بدست آمده است همانطور که مشاهده می شود سطح معنی داری در اکثر متغیرها کمتر از 0.1 می باشد بنابراین بین سبک‌های حل تعارض، سرسختی و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی

منبع	مجموع	درجه	مجذور	F	سطح معنی	R	مجذور R	خطای
واریانس	مجذورات	آزادی	میانگین	داری	خطای	استاندارد	شده	استاندارد
رگرسیون	۲۲۰۴۵.۸۶۲	۱۲	۱۸۳۷.۱۵۵	۵.۰۰۸	.۰۰۰	.۴۹۳a	.۱۹۵	۱۹.۱۵۳
باقی مانده	۶۸۵۹۶.۳۳۳	۱۸۷	۳۶۶.۸۲۵					
مجموع	۹۰۶۴۲.۱۹۵	۱۹۹						

در جدول فوق مشاهده می شود آماره $F_{(12, 187)}$ مشاهده شده 5.008 معنادار است ($p < 0.1$) و همچنین مشاهده می شود سطح معنی داری کمتر از 0.1 می باشد بنابراین می توان گفت سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی می توانند طلاق عاطفی را در زوجین پیش بینی کنند و با توجه به اینکه R^2 تعدیل شده 0.195 بدست آمده است می توان گفت این متغیرها با هم $19/5$ درصد از واریانس طلاق عاطفی را به طور معنی داری پیش بینی می کنند.

جدول ۴. ضرایب معادله پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای استاندارد	Beta	t
ثابت	۵۶.۹۳۱	۱۰.۱۸۷		۵.۵۸۹
خشونت کلامی	-۳.۹۷۸	۲.۸۷۶	-۱.۱۶۷	-۱.۷۳۱
خشونت فیزیکی	-۳.۲۹۲	۱.۰۶۹	-.۶۹۲	-۳.۰۸۰
سرسختی روانشناختی	-۱.۳۵۶	.۳۳۴	-.۳۴۱	-۴.۰۶۱
استدلال	۳.۹۹۸	۱.۲۰۰	۱.۱۱۷	۳.۳۳۲

بر اساس جدول فوق مشاهده می‌شود و با توجه به آماره t و سطح معنی‌داری در خشونت کلامی، خشونت فیزیکی، استدلال و سرسختی روانشناختی که کمتر از $0/05$ بدست آمده است می‌توان گفت این متغیرها به طور معنی‌داری تغییرات مربوط به طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است. این پژوهش با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های کنترل تعارض و سرسختی روانشناختی در زوجین شهر کرمانشاه انجام شد. یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده‌ی میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگي‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند.

در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل و کید، ۱۳۹۸). عوامل مختلفی در خانواده می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند مانند ضعف در کنترل تعارض خانواده، عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به صورتهای متنوعی مطرح شده است که همگی منجر به سرد شدن رابطه‌ی زن و مرد و گسست عاطفی شده است. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و علاقه‌ی یک طرفه زن به همسرش از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت وجود داشته است. در مواردی عدم ابراز محبت کلامی و رفتاری مورد انتظار زن به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه‌ی ابراز محبت، بیان شده است.

نتایج نشان داد بین سرسختی روانشناختی و سبک‌های حل تعارض زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های این بخش از پژوهش درباره رابطه بین سبک‌های حل تعارض سازنده (استدلال) با سرسختی روانشناختی با نتایج پژوهش‌های حاجی ابول زاده (۱۳۸۱)، شفيعی نیا و حسینیان (۱۳۸۱)، افخمی و همکاران (۱۳۸۶) و قلیلی و همکاران (۱۳۸۵) همسو می‌باشد این پژوهش‌ها به منظور بررسی تاثیر آموزش الگوهای سالم ارتباطی و حل تعارض صورت گرفته است از طرفی این پژوهش‌ها نیز بر این موضوع تاکید می‌کنند که آموزش مهارتهای لازم جهت حل تعارضات زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر مفید است.

در واقع مهارت حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر تاثیرگذار بوده است و همین امر باعث می‌شود زن و شوهر نسبت به رفتار یکدیگر صبورتر باشند و با آرامش بیشتری مسائل را حل کنند در واقع این امر نشان می‌دهد سرسختی روانشناختی این افراد با لایر است، این افراد به چالش‌ها خوش‌آمد می‌گویند و احساس و نگرششان به فعالیتها و تغییرات در نظم زندگی را، فرصتی برای رشد بیشتر می‌دانند (کوباسا، ۱۹۷۹)، می‌توان گفت افرادی که از سخت رویی بالایی برخوردارند به سادگی در برابر اعمال و رفتار خود احساس تعهد کرده و عقیده دارند که رویدادهای زندگی قابل کنترل و پیش‌بینی هستند، این افراد تغییر در زندگی و انطباق با آن را نوعی مبارزه برای رشد بیشتر در زندگی در نظر می‌گیرند نه تهدیدی برای امنیت خود (فلورین و همکاران، ۱۹۹۵).

با توجه به بنیان‌های نظری می‌توان گفت همان‌طور که پژوهش‌های اوانگ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد ویژگی سخت رویی روان‌شناختی با ایجاد مقاومت در برابر تنیدگی و راهبردهای مقابله‌ای مناسب باعث افزایش امید در افراد می‌شود که این امر بیانگر سازگاری بیشتر افراد امیدوار با تنیدگی و توانایی تعدیل رویدادهای تنش را هستند این پژوهشگران دریافته‌اند که افراد سخت‌رو به علت استفاده از روش‌های مقابله‌ای فعال و مؤثر، بهزیستی بالاتری دارند. توانایی مقابله با تنیدگی و تفسیر مجدد تجارب آزارنده برای کاهش یا تعدیل اثرات منفی ناشی از آن‌ها، از خصوصیات افراد سخت‌رو است. افرادی که بیشتر از سبک مقابله مسئله‌مدار بهره می‌برند در واقع رفتارهای را برای بازسازی دوباره مسئله از نظر شناختی و یا تغییر

موقعیت تنیدگی را به کار می‌برند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرسختی روانشناختی بالا می‌تواند از بروز طلاق عاطفی جلوگیری کند و هر چه سرسختی روانشناختی افراد بالاتر باشد کمتر دچار طلاق عاطفی می‌گردند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با یافته‌های معین و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۹۰)، چشامی (۱۳۹۰)، یو و همکاران (۲۰۱۴)، گلوریا و استنهارد (۲۰۱۴)، پری و همکاران (۲۰۱۳)، اونگ و همکاران (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است و طی آن همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل کرده و هریک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند، در ازدواج‌های موفق در تفاوت با مفهوم ارایه شده از طلاق عاطفی، تبادل و ارضای متقابل نیازهای صمیمیت زوجین در حد قابل قبول و انتظار موجب تحکیم روابط محبت آمیز بین آنها می‌شود، تا آنجا که می‌توان گفت یکی از اصول در ازدواج‌های موفق، ایجاد صمیمیت زوجین است (وولگستونگ و همکاران، ۲۰۱۰).

نتایج نشان داد بین سبک‌های کنترل تعارض و سخت رویی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی‌داری وجود دارد. که با نتایج محققین گذشته (بهرامیان و بهرامیان، ۱۳۹۳؛ جابری و همکاران، ۱۳۹۳، حسینی و خیر، ۱۳۹۰ و چشامی، ۱۳۹۰) که پژوهش‌های همسویی انجام داده هم راستا می‌باشد.

با توجه به بنیان‌های نظری می‌توان گفت همان‌طور که پژوهش‌های اونگ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد ویژگی سخت رویی روان‌شناختی با ایجاد مقاومت در برابر تنیدگی و راهبردهای مقابله‌ای مناسب باعث افزایش امید در افراد می‌شود که این امر بیانگر سازگاری بیشتر افراد امیدوار با تنیدگی و توانایی تعدیل رویدادهای تنش را هستند این پژوهشگران دریافته‌اند که افراد سخت‌رو به علت استفاده از روش‌های مقابله‌ای فعال و مؤثر، بهزیستی بالاتری دارند. توانایی مقابله با تنیدگی و تفسیر مجدد تجارب آزارنده برای کاهش یا تعدیل اثرات منفی ناشی از آن‌ها، از خصوصیات افراد سخت‌رو است. افرادی که بیشتر از سبک مقابله مسئله مدار بهره می‌برند در واقع رفتارهای را برای بازسازی دوباره مسئله از نظر شناختی و یا تغییر موقعیت تنیدگی را به کار می‌برند.

همچنین نتایج نشان داد بین سخت رویی و طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی‌داری وجود دارد. شواهد متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند سخت رویی می‌تواند یک اندازه‌ی قابل پیش‌بینی از سازگاری و صمیمیت زناشویی باشد برای مثال، مدی و هس (۱۹۹۲) دریافته‌اند که سخت رویی منجر به سازگاری می‌شود و یا به بیان دیگر، از روی سرسختی روانشناختی امکان پیش‌بینی سازگاری زناشویی افراد وجود دارد زیرا افراد سرسخت حوادث زندگی را کمتر فشارزا می‌بینند؛ بنابراین، می‌توانند سازگاری موثرتری با زندگی داشته باشند. این یافته‌ها همچنین با تحقیقات کلمنس و سوینسن (۲۰۰۰) که معتقدند تعهد در همسران به طور مثبت با ثبات و کیفیت زناشویی مرتبط است و همچنین به طور مثبت با بیان عشق و سازگاری و کاهش تعارضات زناشویی مرتبط است، همسو می‌باشد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به ابزار پژوهش اشاره کرد، ابزار پرسشنامه خود محدودیت‌هایی در نتایج پژوهش دارد که با خطای عدم صداقت در پاسخ دهی و یا پاسخ دهی بر اساس احساسات لحظه‌ای شرکت‌کننده‌ها مواجه می‌شود. در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطه بین مهارت‌های زوجی و سبک‌های حل تعارض با دیگر متغیرها از جمله کیفیت زندگی، سلامت روان و... بررسی گردد همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به رابطه معنی‌دار بین سرسختی روانشناختی و سبک‌های کنترل تعارض با طلاق عاطفی کارگاه‌های آموزشی و کارگاه‌های زوج‌درمانی برای زوجین برگزار گردد تا از این آموزشها در جهت افزایش هرچه بیشتر صمیمیت زناشویی و کاهش دلزدگی استفاده شود؛ پیشنهاد می‌گردد آموزش زوج‌درمانی به صورت رایگان با همکاری سازمان بهزیستی و انجمن‌های روانشناسی برای عموم برگزار گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالب آموزشی و نتایج این پژوهش در قالب برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی اجرا شود و تبلیغاتی گسترده‌ای در این خصوص از طریق رسانه‌های عمومی صورت گیرد.

^۱Volgston, Vanberg, S., Ekselius, A., Lundkvist

^۲Maddi & Hess

References

- Afkhami E, Bahrami F, Fatehizade M. (2007). A correlational study on couple's forgiveness and marital conflicts in Yazd province, *Journal of Family Research*; 3(9): 431. [[Link](#)].
- Afrasiabi H, Dehghani Daramrud R. (2016). The grounds and manner of dealing with emotional divorce among women in Yazd, *women in development and politics*; 14 (2): 255-271. [[Link](#)].
- Amato P R, Stacy J R. (2015) A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce; *Journal of Marriage and the Family*; 59: 612-624.
- Behineh F. (2014). Emotional Divorce and its Comparison with Other Divorces, First National Congress of Religious Thought and Research, Qom, Iranian Inactive Defense Scientific Association, Panam Khat Novin Company. [[Link](#)].
- Cheshami M. (2011). The relationship between stubbornness and marital satisfaction among married men and women primary school students in Sabzevar. [[Link](#)].
- Cornelius T L, Alessi G, Shorey R C. (2007). "The Effectiveness of Communication Skills Training With Married Couples: Does the Issue Discussed Matter?". Peer Reviewed Articles. 11. [[Link](#)].
- Etemadi O, Jaberi S, Jazaeri R S, Ahmadi S A. (2014). Investigating the relationship between communicative skills, communicative patterns, conflict management styles and marital intimacy in Isfahanian women. *Quarterly Journal of Women and Society*; 5(17): 63-74. [[Link](#)].
- Florian V, Mikulincer M, Taubman O. (1995). Does hardiness contribute to mental health during a stress full real life situation? The role of appraisal and coping. *Journal of Personality and Social Psychology*; 68(4): 687- 695. [[Link](#)].
- Qhalili I, Ahmadi Alonabadi F, Fatihizadeh M. (2006). The effectiveness of effective conversation training on marital conflicts in Isfahan. *Knowledge and Research in Psychology*, 27 and 28: 21-34. [[Link](#)].
- Gloria M Ch T A. Steinhardt. (2014). Relationships Among Positive Emotions, Coping, Resilience and Mental Health. *Stress and Health*, 32(2): 145–156. [[Link](#)].
- Haji Abulzadeh N. (2002). Investigating the effect of communication skills training with cognitive-behavioral approach on the level of marital adjustment of couples living in Karaj city. Master Thesis, Al-Zahra University, *Faculty of Psychology and Educational Sciences*. [[Link](#)].
- Hosseini F S, Khair M. (2011). The role of cognitive assessment in explaining the relationship between parenting dimensions and mathematical academic excitement and emotional regulation. *Journal of Teaching and Learning Studies*; 3 (1): 17-46. [[Link](#)].
- Jaberi A, Naderian Jahromi M, Khazaei Pool J, Salimi M. (2014). Comparison of the factors affecting the identity of the fans with the experienced sports teams and newly established teams (a case study of the fans of Sepahan Isfahan football team and Isfahan Giti Pasand futsal team). *Journal of Sports Management*, 6 (2): 1-113. [[Link](#)].
- Kobasa S C. (1979). Stressful events, personality and health: An inquiry into hardiness. *Journal of personality and social psychology*, 37: 111. [[Link](#)].
- Latifian M, Arshi M, Eghlima M. (2017). The Relationship between Internet Addiction and Emotional Divorce in Married Women in Tehran in 2016. Research Paper, *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. 16: 517-528. [[Link](#)].
- Maddi S R, Hess M. (1992). hardiness and basketball performance. *International Journal of sports psychology*, 23: 360368. [[Link](#)].
- Mirzamohammadi Z, Mohsenzadeh F, Arefi M. (2017), The Relationship between Parenting Styles, Psychological Hardiness and Marital Satisfaction. *QJFR*; 13 (4): 97-120. [[Link](#)].

- Ong A D, Edwards L M, Bergeman C S. (2006). Hope as a source of resilience in later adulthood. *Personality and Individual Differences*; 41(7): 1263-1273. [[Link](#)].
- Parvandi A, Arefi M, Moradi A (2016). The role of family functioning and couples communication patterns in marital satisfaction. *Pathology, counseling and family enrichment*; 2(1): 54-65. [[Link](#)].
- Pereira D I, Pereira P, Brilha J, Santhos L. (2013). Geodiversity assessment of Paraná State (Brazil): an innovative approach. *Environ. Manag*, 52(3): 541–552. [[Link](#)].
- Razeghi N, Ghobari Bonab B, Mazaheri M (2006). Day Care and Children's Attachment Styles: A Study on Families in Tehran. *Advances in Cognitive Sciences*; 8 (1): 38-46. [[Link](#)].
- Sabzalizadeh H, Badami R, Nazakat Al-Hussein M. (2014). The relationship between family performance and mental strength in Paralympic athletes. *Sports Psychology Studies*. 9: 1-10. [[Link](#)].
- Safaei Rad S, Varastehfar A. (2011). Relationship between marital conflicts and emotional divorce of women referring to the courts of East Tehran, 5 (20): 105-86. [[Link](#)].
- Shafieinia A, Hosseinian S. (2002). The effect of teaching marital conflict resolution skills training on improving the relationship between husband and wife, Master Thesis of Al-Zahra University, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [[Link](#)].
- Somohano V C. (2013). Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships (Doctoral dissertation, Humboldt State University). [[Link](#)].
- Steel L, Kidd he. (2019). Family Skills Sociology. Translation: Syedan, F; Kamali, A. Al-Zahra University Press. Published in original language 2001. [[Link](#)].
- Stewart M R. (2012). "The Impact of Length of Relationship on Conflict Communication and Relationship Satisfaction in Couples", *Graduate Theses and Dissertations*. 12474: 1-36. [[Link](#)].
- Volgston H, Vanberg S, Ekselius A, Lundkvist O. (2010). Sundstom poemaa. Risk factor for psychiatric disorder infertile women and men undergoing in vitro fertilization treatment. *Fertile Steril*, 93(4): 1088-1-99. [[Link](#)].
- Yoo S-H, Choi J-Y, Lee S-H, Kim T. (2014). Estimating water footprint of paddy rice in Korea. *Paddy and Water Environment*. 12. [[Link](#)].
- Zaboli P, Sanaei Zakir B, Hamidi Mansour A. (2004). Measuring the usefulness of psychoanalytic method in improving girls' conflict resolution skills with mothers of first year high school students in Tehran's District 2. Master Thesis, Khatam University. [[Link](#)].